



وحدت

انگشت

وحدت و برادری در کلمات و سیره شهید آیت الله اشرفی

حجت الاسلام والمسلمین مرتضی وافی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

۷	مقدمه
۹	زندگی نامه
۱۸	کلمات
۲۴	سیره

مقدمه

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

العلماء مصابيح الارض، و خلفاء الانبياء، و ورتنی و ورثه الانبياء.^۱

با مطالعه تاریخ زندگی آیت الله اشرفی و به شهادت مردم زمانه خودش پی خواهیم برد که ایشان با منش و سلوک کریمانه و متخلق به آداب اسلامی توانست قبل از انقلاب و بعد از انقلاب تحولات عظیمی را در کرمانشاه ایجاد کند، و مبالغه نکرده ایم اگر ایشان را مصداقی از مصادیق این حدیث شریف بشمار بیاوریم.

یقیناً مطالعه سیره این بزرگان می تواند الگویی مناسب باشد تا هم

۱. کنز العمال ۲۸۶۷۷

بتوانیم احادیث و سیره ائمه را در تعامل با مردم و محیط پیرامونی شان بفهمیم، و از طرفی هم بتوانیم الگویی مناسب برای میدان تبلیغی امروز بدست بیاوریم. امثال شهید محراب آیت الله اشرفی که به تعبیر یکی از بزرگان اهل سنت معاصر در اخلاص و حیا مثال نزدنی بود^۲، از بهترین الگوهای هستند که باید روحانیون ائمه جمعه در مناطق مشترک از سیره و کلمات ایشان درس بگیرند.

آنچه که در برابر شما خواننده عزیز قرار دارد، بخشی از کلمات و سیره ای اجتماعی این شهید عزیز در موضوع وحدت و برادری است که از کتاب سیره شهید اشرفی اصفهانی نوشته آقای علی عبده^۳، تقطیع و تدوین شده است.

۲. کتاب ماموستا ۳۴۰

۳. نشر شاهد/چاپ اول ۱۳۹۲

زندگی نامه

آیت الله اشرفی اصفهانی در سال ۱۲۸۱ ش در خمینی شهر اصفهان در خانواده ای روحانی متولد شد . شهید اشرفی تحصیلات ابتدایی مقدماتی را در خمینی شهر گذرانده و در سن ۱۲ سالگی جهت ادامه تحصیل راهی اصفهان شد و طی حدود ده سال از محضر علمایی چون آیت الله سید مهدی درچه ای ، آیت الله سید محمد نجف آبادی، مرحوم فشارکی مرحوم مدرس استفاده کردند.

ایشان دوران طلبگی خود را با نهایت عسرت و مشقت اقتصادی گذراند و در مدتی که در حوزه اصفهان بودند هر هفته فاصله میان اصفهان تا خمینی شهر را که دوازده کیلومتر بود طی می کردند خود می فرمود: دوشنبه خوارکم تمام می شد سه شنبه دو ریال پولم را خرج میکردم،

چهارشنبه که آخرین روز تحصیل بود بدون پول و غذا می گذراندم .

ایشان در توصیف شرایط تحصیلاتش در اصفهان می گوید:

در زمانی در حجرهای با سه نفر دیگر در مدرسه نوریه اصفهان زندگی میکردیم . بسیاری از روزها نه چای داشتیم نه نفت و نه قند. برای مطالعه در شب از نور چراغ نفتی توالتهای مدرسه استفاده می کردم. در روزهای جمعه به یکی از مساجد دور افتاده اصفهان میرفتم و از صبح تا عصر در آنمسجد درس های یک هفته را دوره می کردم در مدت دوازده ساعتی که آنجا مطالعه می کردم غذای من فقط مقداری دانه ذرت برشته بود.

در سال ۱۳۰۲ش در سن بیست سالگی جهت ادامه تحصیل و نیل به مقامات عالیه و دینی رهسپار حوزه علمیه قم گردید. در تمام طول مدت بیست و سه سال اقامت در قم و ایشان تنها سه یا چهار ماه با خانواده خود بودند و بقیه این سالها را تنها مجرد سپری کردند.

شهید اشرفی با همه مشکلات و مسائل آن زمان، در تحصیل علوم اسلامی و دینی جدیت به خرج میداد. وپس از اندک زمانی از فضلا و مدرسین نامی و برجسته حوزه علمیه قم به شمار میآمد و در سن ۴۰ سالگی اجازه اجتهاد خود را از آیت الله خوانساری دریافت کرد.

لذا مدت دوازده سال که آیت الله اشرفی در محضر ایشان حضور

می یافت تمام دروس آن مرحوم را مینوشت و این نوشته ها ما هنوز موجود می باشد .

در سال ۱۳۳۵ ش شهید اشرافی بنا به دستور مرحوم آیت الله بروجردی جهت تبلیغ و نشر معارف و احکام دین و تقویت بنیه دینی و مذهبی اهالی کرمانشاه به انجام اعزام و رحل اقامت افکند پس از ورود به کرمانشاه طلاب و شاگردان بسیاری را تربیت نمود.

با اوج گیری انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت آیت الله امام خمینی (ع) شهید اشرفی نیز حرکت های وسیعی را در کرمانشاه پایه گذاری کرد . عمده ترین مراسم که تا آن روز سابقه نداشت در واقع جرقه های بود در جهت شعله ور شدن یک آتش عظیم در این منطقه مجلس بزرگداشت شهادت آیت الله حاج سید مصطفی خمینی بود که بنا به دعوت و اطلاعیه شهید اشرفی اصفهانی در مسجد آیت الله بروجردی منعقد گردید در مجلس سخنرانی های پر هیجان و انقلابی مطرح شد. و ساواک با وجود بسیج تمام نیرو و قوای خود برای دستگیری و کار شکنی در مراسم موفق نشد سخنرانان به طور مخفیانه از شهر خارج شدند.

شهید آیت الله اشرفی اصفهانی پس از ۸۰ سال زندگی پرافتخار و خدمت به اسلام و قرآن، توسط یکی از مزدوران آمریکا و منافقین کوردل در ساعت ۱۲/۱۵ ظهر ۲۳ مهرماه ۱۳۶۱ در سنگر نماز جمعه

مسجد جامع و در محراب نماز به افتخار شهادت نائل آمد و طومار زندگی پرافتخارش نه تنها بسته نشد بلکه ورقی دیگر خورد و نامش در صحنه گیتی مانند خورشید برای همیشه می درخشد. این نوشتار خلاصه ای از زندگی نامه این شهید بزرگوار می باشد.

شهید بزرگوار حضرت آیت الله حاج آقا عطاء الله اشرفی اصفهانی در سال ۱۳۲۳ هجری قمری در یک خانواده روحانی در خمینی شهر متولد شد. وی فرزند مرحوم حجت الاسلام و المسلمین میرزا اسدالله فرزند مرحوم حجت الاسلام میرزا محمد جعفر بود و جد اعلای ایشان از علمای بزرگ جبل عامل بود. وی تنها فرزند ذکوری بود که از پدرشان بیادگار مانده بود و پس از دوران کودکی جهت تحصیل علوم دینی به شهر اصفهان رهسپار شد.

تحصیلات:

شهید آیت الله اشرفی از آغاز کودکی برای تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه آمد و ابتدا در یکی از مدارس قدیمی به نام مدرسه نوریه به تحصیل مشغول شد و مدت ۱۰ سال بطور متوالی در حوزه علمیه اصفهان اشتغال به تحصیل داشتند. سپس در سن ۲۲ سالگی جهت ادامه تحصیل و طی مدارج عالی علوم اسلامی رهسپار حوزه علمیه قم شد.

ایشان جمعا مدت ۲۳ سال در حوزه علمیه قم و ۱۲ سال در حوزه

علمیه اصفهان بود و در این مدتی که در این دو حوزه علمیه اشتغال داشت ضمن کسب علم و دانش و نیل به درجات عالیّه اجتهاد، مورد توجه خاص اساتید بزرگ و علما بود و مرحوم آیت الله بروجردی و مرحوم آیت الله حاج سید محمدتقی خوانساری به ایشان عنایت خاصی داشتند. بطوریکه هر وقت به اصفهان می رفت و سپس به قم مراجعت می کرد این دو بزرگوار و همچنین دیگر علما از ایشان دیدن می کردند.

خدمات آن شهید بزرگوار:

۱. تاسیس حوزه علمیه امام خمینی در باختران و اداره این حوزه با بیش از ۶۰ نفر طلاب.
۲. بازسازی مدرسه مرحوم آیت الله بروجردی.
۳. توسعه کتابخانه مدرسه مرحوم آیت الله بروجردی که قریب دو هزارجلد به کتابهای آن اضافه نمودند.
۴. تاسیس حوزه علمیه جهت خواهران، که پس از شهادت ایشان به نام حوزه علمیه شهید محراب نامگذاری شد.
۵. ایجاد وحدت کامل بین روحانیت شیعه و سنی که از بزرگترین خدمات آن شهید است که در طول تصدی مسئولیت بعنوان امام جمعه در این رابطه سمینارهای متعددی در شهرهای مختلف بویژه با حضور

برادران اهل سنت تشکیل داد که اثرات بسیار مطلوبی داشته است.

۶. بازسازی مسجد جامع باختران که از برکت نماز جمعه این مسجد بازسازی کامل شده است.

۷. بازنمودن شماره حسابهای متعدد به نام مهاجرین جنگی و جبهه جنگ و بازسازی مناطق جنگی و همچنین کمک به سیل زدگان خوزستان و زلزله کرمان و طبس که تمام وجوه این شماره حسابها جمع آوری و برای نجات برادران و خواهران آسیب دیده و برادران رزمنده صرف شده است.

نقش شهید در دوران دفاع مقدس:

با آغاز جنگ تحمیلی و بسیج همه جانبه مردم و قوای مسلح برای حضور در جبهه و پشتیبانی جبهه های جنگ، آیت الله اشرفی نیز با مهم توصیف کردن مسئله جنگ، در مدت ۲۵ ماه در تمام خطبه های نماز جمعه و مصاحبه ها و پیام های خود به حضور مردم در جبهه ها تأکید می ورزیدند.

شهید محراب، دائماً با حضور در جبهه ها به دیدار رزمندگان می شتافت و مقید بود که برای آنان سخنرانی کند. و با یکایک رزمندگان مصافحه می کرد و با آنان به گفتگو می نشست و می فرمود: "وقتی به جبهه می روم تا مدتی روحیه ام قوی می شود."

علی رغم کهولت سن مسافت های طولانی و راه های صعب العبور را به عشق دیدار دلاور مردان جبهه توحید، با وسایل نقلیه نظامی در شرایط دشوار می پیمود. بارها در جبهه های ایلام، قصر شیرین و پادگان ابوذر، گیلان غرب، نوسود، بستان، آبادان، خرمشهر، سومار حضور یافت و با سخنرانی های دلنشین، به سپاهان اسلام روحیه بخشید. پس از آزادی قصر شیرین به آن شهر سفر کرد و با خواندن دو رکعت نماز شکر در مسجد این شهر، سپاسگزاری خود را به درگاه خداوند به جای آورد.

وجود آن روحانی جلیل القدر در مناطق عملیاتی سبب دلگرمی رزمندگان و باعث شور و شوق بسیار در آنها می گردید. یک بار پس از عزیمت به منطقه جنوب، عازم شهر آزاد شده بستان گردید و زیر بمباران وحشیانه دشمن وارد شهر شد و از آنجا عازم آبادان شد. هنگام آغاز عملیات فتح المبین در دوم فروردین ۱۳۶۱، در قرارگاه حضور یافت و پیشنهاد کرد عملیات به نام حضرت زهرا سلام الله علیها نامگذاری شود.

در دومین سفر خود به خوزستان پس از آزادی خرمشهر، عازم اهواز شد و مردم این شهر نماز شکر را به امامت ایشان به جای آوردند. بعد از ظهر همان روز علی رغم مخالفت فرماندهان، وی و امام جمعه اهواز عازم منطقه خرمشهر شدند و پس از ورود به شهر، به مسجد

جامع در جمع رزمندگان حضور یافتند و فرمودند:

”امروز یکی از روزهای مهم اسلامی و یوم الله است و از جمله آرزوهای من فتح خرمشهر بود که بحمدالله من زنده ماندم و این روز را دیدم.“

در شب جمعه هشتم مهر ۱۳۶۱ در منطقه غرب، عملیات مسلم بن عقیل با حضور شهید و تنی چند از مقامات کشوری و لشکری آغاز شد. ایشان در آن شب حال عجیبی داشت و یک لحظه آرام نداشت و تا صبح به دعا و مناجات مشغول بود و لحظه ای هم به استراحت نپرداخت. نزدیکی های صبح بود که یک عدد گلوله توپ در نزدیکی چادر ایشان منفجر شد.

فرماندهان جهت ترک آن محل اصرار کردند، اما ایشان نپذیرفت و فرمود:

”من از این محل نمی روم و آماده هر گونه مسئله ای هستم، زیرا خون من رنگین تر و جان من عزیزتر از این عزیزان رزمنده نیست. من باید تا پایان عملیات اینجا باشم.“ سرانجام شهید محلاتی، عبا و عمامه ایشان را برداشت و بر سر و دوش ایشان گذاشت و عصا را به دستش داده و او را عازم کرمانشاه کرد.

در پشت جبهه هم فعالیت های چشمگیری داشت که از جمله آنها افتتاح حسابی در بانک برای جمع آوری کمک های نقدی به جبهه ها بود. حساب دیگری نیز جهت کمک به مهاجران جنگ افتتاح کردند.

حساب دیگری نیز جهت بازسازی منطقه گیلان غرب که به استان کرمانشاه محول شده بود، اختصاص دادند.

شهید به مسئله وحدت بین شیعه و سنی اهمیتی فوق العاده می داد و اقدامات ایشان در این زمینه بسیار مؤثر واقع می شد.

شهادت آن شهید بزرگوار:

ایشان پس از ۸۰ سال زندگی پرافتخار خود و خدمت به اسلام و قرآن توسط یکی از مزدوران امریکا و منافقین کوردل در ساعت ۱۲/۱۵ ظهر ۲۳ مهرماه ۱۳۶۱ در سنگر نماز جمعه مسجد جامع و در محراب نماز به افتخار شهادت نائل آمد و طومار زندگی پرافتخارش نه تنها بسته نشد بلکه ورقی دیگر خورد و نامش در صحنه گیتی مانند خورشید برای همیشه می درخشد، روحش شاد و نامش جاویدان باد.^۴

۴. <https://kermanshah.farhang.gov.ir/fa/mafakherostankermanshah/ayatollahshrafiesfahani>

کلمات

۱. نژاد و قومیت در اسلام مطرح نیست

نژاد، قومیت، مطرح نیست. در اسلام سیاه، سفید، فارس، عجم، ترک، بلوچ این حرف ها نیست. اسلام همه را دعوت کرده زیر یک پرچم و یک کلمه و آن را کلمه لاله الاالله و محمد رسول الله (ص) است. ما همه برادریم. فرق بین ما و آنها (اهل سنت) نیست، اختلافی باشد، اختلاف به حسب مذهب است. «انما المومنون اخوه»^۵ از اول انقلاب تا حال دائما این ها تلاش کردند. یک کاری بکنند بین ما و اهل سنت جدایی بیندازند. امام هم فرمود

۵. حجرات ۱۰

در کنفرانسی که در ریاض ترتیب اش را دادند و از سران ممالک اسلامی هم دعوت کردند -مانند همان سالی که رژیم طاغوتی و آن شاه معدوم در شیراز کرد و میلیاردها از پول این امت مستضعف را در آنجا خرج کردند- در آنجا، مطرح کردند که ما یک کاری بکنیم بین شیعه و سنی اختلافی بیندازیم. یعنی شیعه به شیعه بگویند اهل سنت بدند یا اهل سنت با شیعه بدند و این اختلاف، سبب بشود به این که این ها به جان همدیگر بیفتند. یک عده ای شیعه ها آن را بکشند، یا آنها شیعه ها را بکشند و این به نفع آن ها تمام می شود. این اختلاف سبب نفع آن ها باشد. مگر این ها کور و کر بودند، مگر این ها این خبر کنفرانسی را که در قم تشکیل شد نشنیدند. خبرنگارها خبر ندارند، صدا و سیمای جمهوری اسلامی که ساعت دوازده شب تمام اخبار کشور را به تمام کشورهای خارج ابلاغ می کند، این ها کر بودند؟ شنیدند که در این کنفرانس، در این سمینار شیعه و سنی دوش به دوش هم نشسته بودند. سخنرانی ها هم از اهل سنت بود، هم از شیعه بود. منشی هم از اهل سنت بود هم از شیعه بود. خدمت امام هم رسیدیم. امام هم از اهل سنت تشکر کرد هم از ما ائمه جمعه شیعه تشکر کرد. بعد هم در مجلس شورای اسلامی که رفتیم همه یکنواخت، ما و آن ها و هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی نماینده ها، همه غذای مان یکنواخت بود، بدون این که

امتیازی باشد، حتی آن که رئیس بود با مرئوس، امام جمعه، شیعه، سنی، همه غذای شان یکنواخت بود.^۶

۲. با برادران اهل تسنن اختلافی نداریم

با برادران اهل سنت اختلافی نداریم. هم دشمن این است که تفرقه بیندازد بین اقشار. هر روز به یک نحوه ای. گاهی ارتش رامی خواهد از روحانیت جدا کند. گاهی مردم را از روحانیت جدا کند و فاصله بیندازد. روحانیون راستین و روحانیون واقعی و آن هایی که در این انقلاب نقشی دارند. گاهی از طریق تفرقه انداختن بین ملت های اسلام. یعنی تشیع و تسنن که اخیرا این نغمه شوم هم به گوش می خورد و ما مکرر، هم قولا و هم عملا ثابت کردیم به این که بین مسلمین اختلافی نیست. برای اینکه که ما معتقد به مبداء و معتقد به نبوت پیامبر خاتم و خاتمیت آن حضرت و معتقد به معاد هستیم. اگر اختلافی باشد راجع به فروع است.

سمیناری که در اسلام آباد تشکیل شد واقعا کم نظیر بود. برای این که سه نفر از اعظام و بزرگان علمای ما در آن سمینار شرکت داشتند، آیت الله صدوقی امام جمعه یزد و آیت الله طاهری امام جمعه اصفهان و حجت الاسلام و المسلمین خامنه ای، این ها

۶. خطبه ۱۳۵۹/۱۱/۱۰

شرکت داشتند و سخنرانی هم کردند. در آن مجمع که ائمه جمعه اهل تسنن و شیعه هر دو بودند، آنجا بنده عرض کردم - بنده مکرر این مطلب را اعلام کردم - که ما با برادران اهل تسنن اختلافی نداریم و شاهد بر این که اختلافی نداریم این است که مع الان در کتب فقهیه خودمان، بزرگان از علما وقتی نقل آرا می کنند هم نظر علمای اهل تسنن را ذکر می کنند و هم شیعه را، مثل کتاب «خلاف»^۷ مرحوم شیخ طوسی اعلی الله مقامه، «تذکره»^۸ مرحوم علامه. نظریه امامیه را هم ذکر کرده اند در ردیف نظریه آن ها. اگر اختلاف فتوا، سبب اختلاف و دعوا بشود پس آن ها هم که خودشان چهار مذهب اند، با هم دیگر اختلاف دارند، به کتب فقهیه که مراجعه می کنید، کمتر مساله ای است که بین تمام مسلمین مورد اتفاق باشد. در تفسیر هم که می آییم، بعضی تفاسیر که به زبان عربی نوشته شده مثل «تبیان»^۹

۷. الخِلافُ فی الأحکام مشهور به الخلاف یا کتاب الخلاف کتابی فقهی، تألیف شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ق). این کتاب از معروف ترین کتاب های فقهی نزد شیعه است که به مسائل اختلافی و فقه مقارن می پردازد.

۸. تَذْکِرَةُ الْفُقَهَاءِ از کتاب های فقه استدلالی شیعه امامیه، تألیف علامه حلی (متوفای ۷۲۶ ق). علامه حلی در این کتاب، فتاوا و ادله فقهی در ابواب و موضوعات مختلف را ذکر کرده و به آرای فقه های اهل سنت نیز اشاره کرده و میان فتواهای مختلف داوری کرده است.

۹. کتاب التبیان الجامع لعلوم القرآن یا التبیان فی تفسیر القرآن تفسیری از قرآن تألیف شیخ طوسی به زبان عربی و در ۱۰ جلد است. این تفسیر در قرن پنجم هجری قمری تدوین شده است.

تفسیر تبیان نخستین تفسیر جامع شیعی است که شامل تمام مباحث و علوم قرآنی است. این تفسیر یکی از اصیل ترین و جامع ترین تفاسیر به شمار می آید، که منبع و مأخذ اصلی بسیاری از تفاسیر شیعه است.

شیخ طوسی اعلی الله مقامه، «مجمع البیان^{۱۰}» تفسیر مرحوم طبرسی یا تفسیر فارسی مثل تفسیر «ابوالفتوح رازی^{۱۱}» این ها آیه ای را عنوان می کنند، نظر علمای اهل سنت و امامیه را هر دو ذکر می کنند. پس اختلاف در نظر و اختلاف در رأی یا اختلاف در تفسیر هر آیه ای، این سبب اختلاف بین شیعه و سنی نمی شود و این که مثلاً ما بخواهیم دعوایی درست بکنیم. مع الاسف از چندی پیش در طائف، در آن سمیناری که در آنجا تشکیل شده بود، این نغمه به گوش خورد که باید کاری کرد که بین فرق مسلمین تشتت و اختلاف ایجاد کرد و کم کم در خود ایران، هم

۱۰. تفسیر مجمع البیان از تفاسیر مهم قرن ششم و به زبان عربی است. فسیر مجمع البیان، یکی از مهم ترین و ارجمندترین تفاسیر جهان اسلام است که دانشمندان شیعه و سنی آن را مورد توجه قرار داده اند و از آن به عنوان یکی از منابع تفسیر یاد کرده اند و آن را از جمله تفاسیر قدیم دانسته اند که به نیکوترین صورت با الگوی مناسب و ضمن سر عنوان مکرر و ثابت تنظیم شده است.

شیخ شلتوت، مفتی بزرگ اهل سنت و دانشمند روشن بین کشور مصر در مقدمه ای که بر این تفسیر نگاشته است، می نویسد: مجمع البیان در میان کتابهای تفسیری بی همتا است. این تفسیر دارای گستردگی ژرف و تنوع در مطالب و ترتیب ممتازی است که در میان تفاسیر پیش از او بی نظیر و در میان آثار پس از او کم نظیر است.

۱۱. کتاب روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، اثر جمال الدین ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد بن احمد خزاعی رازی (متوفای ۵۵۲)، مشهور به ابوالفتوح رازی عالم و مفسر نامدار امامی در سده ششم هجری است. این کتاب اولین تفسیر کامل شیعی فارسی است که پس از مجموعه ای از تفاسیر فارسی، به قرن پنجم و ششم نگاشته شده است.

این نغمه به گوش می خورد.^{۱۲}

۱۲. خطبه ۱/۲۱/۱۳۶۰

سیره

۱. بدنبال اتحاد بود

برخورد آقای اشرفی با اهل سنت خوب بود. از این جهت که فرمایش امام این بود که باید ملاحظه کنید یک وقت، کوچکترین اختلافی پیدا نشود، بلکه اتحاد مابین همه ایجاد شود. بنای امام خمینی بر این بود و شهید محراب هم فرموده امام را کامل و به خوبی اجرا می کرد.^{۱۳}

۲. اهل تسنن، ایشان را پدر خود می دانستند

هفته وحدت که اعلام می شد، ایشان با وجود کبر سن، تعهد داشتند تا به استان کردستان و سنندج سر بزنند. ولی چند برابر

۱۳. آیت الله عبدالخالق عبداللهی از علمای استان کرمانشاه

حجم این سر زدن ایشان، مراجعات علما و مردم منطقه بود. یادم هست از میان چهار ملاقاتی که با امام داشتیم، فقط یک مورد آن، سه نفری بود، شهید اشرفی بودند و حاج آقا محمد که بازوی پدرشان به شمار می رفتند و بنده هم حضور داشتم. در سه مورد دیگر که باز این ترکیب سه نفری هم بود، علمای تشیع و علمای تسنن استان اضافه می شدند و در همان اتاق کوچک امام(ره) ملاقات هایی داشتیم. لذا شهید بر این مطلب اهتمام داشتند که واقعا اهل تسنن در استان، ایشان را پدر خودشان می دانند.^{۱۴}

۳. به خاطر صداقتشان، ایشان را از خودمان می دانستیم

در کرمانشاه مرتب جلساتی داشتند. در شهرهای محل سکونت اهل سنت، اختلافاتی قومی و مذهبی جریان داشت. ایشان با آن سن و سالش همیشه به جلسات می آمد و همیشه در این دو سنگر حضور داشت. طینت خاص و نیت پاکی داشت. صداقت خاصی داشت. آنچه بر زبان می گفت در درون هم به آن ایمان داشت و به آنچه ایمان داشت، با زبان به مردم می گفت. به خاطر همین صداقت شان، ما اهل سنت خیلی به ایشان اعتماد و باور داشتیم، و ایشان را از خود می دانستیم.^{۱۵}

۴. روحانیون اهل سنت را تکریم می کرد

۱۴. علی اکبر رحمانی/استاندار سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۲ کرمانشاه

۱۵. ماموستا حاج ملاعبدالقادر قادری/ امام جمعه پاره

واقعا به اهل سنت علاقه داشت و اظهار محبت می کرد. هرگاه به منزل ایشان می رفتم، شخصا از من پذیرایی می کردند. می رفتند چای و گز می آوردند. می گفتم بگذارید من خودم چای می ریزم، می گفتند اصلا نمی شود. نه فقط به من که زیاد با ایشان آشنا بودم، بلکه با همه این طور بود. به ویژه روحانیون اهل سنت را خیلی تکریم می کرد. مشکلات موجود را خدمت ایشان ارائه می دادیم و وی هم خدمت امام مطرح می کردند و به سرعت برطرف می شد.^{۱۶}

۵. بهترین مرزداران ما عشایر و اهل سنت هستند

یک روز به ایشان عرض کردم این مطلب درست است که آیت الله العظمی بروجردی فرمودند: من هیچ فرق قابل ذکری بین شیعه و سنی نمی بینم که بخواهد این دو برادر را از هم جدا کند. حاج آقا فرمودند: بله این مطلب از ایشان است. بعد هم برای توضیح بیشتر به مساله ایجاد دارالتقريب و اعزام آیت الله قمی^{۱۷} به مصر و جامعه الازهر اشاره کردند و اینکه الازهر بعد از ۱۴۰۰ سال پذیرفت که مذهب شیعه اثنی عشری رسمیت دارد.

۱۶. ماموستا ملا محمد محمدی / امام جمعه کرمانشاه

۱۷. محمد تقی قمی (۱۲۸۹-۱۳۶۹ ش) عالم وحدت‌گرای شیعه. قمی معتقد بود که تنها راه برای ایجاد امت واحد اسلامی، اتحاد فرهنگی مسلمانان است که این امر نیز از طریق گفتگوی عالمان مذاهب اسلامی حاصل می‌شود. به همین منظور، وی «دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه» را تاسيس نمود. از مهم‌ترین آثار فعالیت قمی، به رسمیت شناخته‌شدن مذهب شیعه از سوی دانشگاه الازهر مصر بود. وی در هشتماد سالگی در پاریس بر اثر تصادف از دنیا رفت.

شهید اشرفی ادامه داد : بین دو برادر ممکن است اختلاف نظر و دیدگاه باشد، اما به هیچ وجه نباید از چارچوب برادرانه خارج شود و خدای ناکرده به تخاصم و دشمنی بیانجامد. استان کرمانشاه یک استان حساس و مرزی است. چهارصد و چهل کیلومتر مرز مشترک با عراق دارد و تمام مرزنشینان ما به جز گیلانغرب، همه اهل سنت هستند. من همیشه گفته ام که بهترین مرزداران ما یکی عشایرند و یکی اهل سنت. تاریخ هم همین را نشان می دهد. ما چه داعیه داریم که کارمام را با برادران خودمان به دعوای داخلی بکشانیم تا دشمن از آن سوء استفاده کند.^{۱۸}

۶. شما علمای اهل سنت امتحان خود را پس داده اید

از اوایل سال ۱۳۵۹ که بنده مسئولیت امامت جمعه پاوه را قبول کردم، مستقیماً با شهید اشرفی ارتباط داشتم. به خصوص زمانی که از جانب امام امور اهل سنت کرمانشاه به ایشان واگذار شد، دیگر مستقیم با ما ارتباط داشتند. به شهرهای سنی نشین مثل پاوه، جوانرود، وروان سر تشریف می آوردند، جلسات عدیده وحدت را برگزار می کردیم. ارتباط ما با شهید محراب خیلی نزدیک بود و مانند یکی از بستگان نزدیک به منزل ایشان می رفتیم. خدا رحمت کند ایشان و خانم شان را. مانند فرزندان خودشان ما را استقبال و احترام می کردند. هم از ما دلجویی به عمل می

۱۸. علی اکبر رحمانی

آوردند، هم مارا تقویت می کردند، هم دلسوزی به خرج می دادند، و هم از ما دفاع می کردند. این جمله را بارها از ایشان شنیده بودیم که شما آقایان علمای اهل سنت اورامانات^{۱۹}، امتحان خود را در این انقلاب بارها پس داده اید دیگر نیازی به آزمایش نیست. شهید محراب در مورد مسائل وحدت بین شیعه و سنی نقش اساسی داشتند.^{۲۰}

۷. دفتر روحانیت اهل سنت را کنار حوزه علمیه قرار داد

یکی از قدمهای اساسی که برای تحکیم وحدت برداشتند این بود که دفتر روحانیت اهل سنت را در کنار حوزه علمیه امام خمینی(ره) در مسجد آیت الله بروجردی قرار دادند. هرکس که به آنجا وارد می شد، طبعا سری هم به تشکیلات اهل سنت می زد. هر روز صبح، بعد از تدریس می آمدند و چند دقیقه ای در دفتر می نشستند و با من که مسئولیت دفتر را داشتم راجع به برنامه ها و مشکلات اهل سنت صحبت می کردند. در جلسات مختلفی هم که با هم می رفتیم، آیات و احادیثی را که در تحکیم وحدت موثر بود، بیان می کردند و به شدت از ابراز مطالبی که باعث تنش بشود خودداری می نمودند. ایشان تعهد داشتند تا سالی دو - سه بار به پاوه سربرزنند و در مسجد پاوه حضور پیدا کنند.

۱۹. اورامانات ناحیه کوهستانی است که جایگاه ویژه در بین مناطق کردنشین دارد. این ناحیه کوهستانی شامل شهرستان پاوه، و مرویان و... می شود.

۲۰. ماموستا حاج ملاعبدالقادر قادری

در زمان جنگ به نوسود می آمدند. محلی ها به دورشان جمع می شدند و ایشان چند دقیقه ای برای آنها صحبت می کرد.^{۲۱}

۸. مثل دوست از منزل ایشان خارج می شدند

وقتی بین علمای اهل سنت مشکلی به وجود می آمد که البته این اختلافات طبیعی بود جمع می شدند و نزد آقای اشرفی اصفهانی، طرح مساله می کردند و با وساطت و پادرمیانی ایشان مشکل برطرف می شد و سرانجام نیز مثل دوست و رفیق از منزل ایشان خارج می شدند. طبیعی است که میان علمای منطقه گاه دیدگاه های متفاوتی بروز می کرد که آقای اشرفی مثل یک پدر، اختلافات را برطرف می کرد.^{۲۲}

۹. برخوردش با اهل سنت عالی بود

شهید اشرفی اصفهانی، اخلاق خیلی خوبی داشت. و برخوردش با اهل سنت هم بسیار عالی بود. ایشان به حضرت امام(ره) علاقه داشت و به افکار اما عشق می ورزید و امام عقیده داشتند که باید بین شیعه و سنی، وحدت پیدا شود. عقیده داشتند که تفرقه افکن نه شیعه است و نه سنی. شهید محراب هم این باور را داشتند. لذا تمام گام هایی که برمی داشت در این راستا بود که اختلافی بین شیعه و سنی پیش نیاید.^{۲۳}

۲۱. ماموستا ملامحمد محمدی

۲۲. علی اکبر رحمانی

۲۳. آیت الله محمد حسین زرنندی از علما وائمه جمعه کرمانشاه

۱۰. هیچگاه مطلبی از ایشان نشنیدیم که نگرانمان کند

آن نکته کلیدی که ایشان با تکیه بر آن توانست اهل سنت را به سمت خود، جذب کند، صداقتشان بود که از همه صفات بالا تر است. صداقت، تواضع و بی آلاچی. وقتی با آن سن و سال از کرمانشاه به پاوه می آمد، هیچ گونه تکلفی در کارش نبود. هیچگاه در گفتار و کردار و نه در خطبه های نماز جمعه، مطلبی از ایشان نشنیدیم که نگرانمان کند. به همین خاطر بود که وقتی خبر شهادت ایشان را شنیدیم به حقیقت متوسل شدیم و همین مساله باعث شد که از کرمانشاه تا اصفهان در تشییع جنازه شرکت کنیم. این گونه نبود که در زمان حیات با او باشیم و بعد از شهادت بگوییم دیگر به ماچه. ما روحانیون پاوه تا آخرین مجلس فاتحه اش در اصفهان ماندیم و از آن تاریخ تا به امروز که در دو دهه و اندی گذشته، سعی مان بر این بوده است تا هر ساله در سالگردش شرکت کنیم. این ها وفایی بود که ما از او یادگرفتیم و حقیقتاً همین وفا را داریم منعکس می کنیم.^{۲۴}

۱۱. همه از خوبی هایش می گویند

واقعا بر ما سمت پدری داشت. انسان شریف و بدون هوی و هوس بود. من تا به حال نشنیده و ندیده ام که کسی از مرحوم اشرفی بدگویی کند. هر کسی که کمترین ارتباط را با ایشان داشته،

۲۴. ماموستا حاج ملا عبدالقادر قادری

به جز از کمالات و بزرگواری هایش نمی گوید.^{۲۵}

۱۲. با دروایش هم برخورد پدرانۀ داشت

برخورد ایشان با اهل حق^{۲۶} یا دروایش نیز بسیار پدرانۀ، واعظانۀ و دلسوزانۀ بود. من هرگز ندیدم که نسبت به این گونه افراد پرخاش داشته باشد. مثل سایر مردم با آنها هم رفتار می کرد. گاهی که به جبهه های مختلف می رفتند و آنها را می دیدند. مثل یک هم وطن دوست داشتنی با آنها برخورد می کرد.^{۲۷}

۱۳. ما از اهل سنت هیچ بدی ندیده ایم

سالی دو - سه بار به پاوه سر می زدند و در مسجد جامع آن شهر حضور پیدا می کردند. به نوسوده می رفتند. آنجا برای مردم صحبت می کردند و می فرمودند ما از برادران اهل سنت مان هیچ بدی ندیده ایم. آنها هم متقابلاً همین را می گفتند. بنابراین رابطه حسنه ما از قبل بوده، انقلاب و امام آمدند و این رابطه را تقویت کردند. ما چه داعیه ای داریم که از رابطه خودمان

۲۵. حجت الاسلام والمسلمین عبدالخالق تربتی از علمای کرمانشاه

۲۶. اهل حق یک مذهب باطنی است که معتقدان آن بیشتر در غرب ایران زندگی می کنند. بعضی دیگر از فرق اسلامی نیز مانند حروفی ها و متصوفه خود را از اهل حق یا حقیقت نامیده اند. اما اهل حق به معنای اخص، نام گروهی است که به ایشان با نوعی تسامح علی الهی نیز می گیوند. مذهب اهل حق یکی از فرقه های وابسته به شیعه به شمار می رود. از جمله غلات شیعه محسوب می شوند. طوایف اهل حق به نامهای مختلف مانند اهل حق، اهل سر، یارسان، نصیری، و علی الهی معروف می باشند. از نشانه های خاص آنان، شارب است. یعنی موی سیل خود را نمی زنند تا بلند شود و روی لب را بپوشاند.

۲۷. ماموستا حاج ملا محمد محمدی

یک تفسیر تنگ نظرانه ای ارائه دهیم.^{۲۸}

۱۴. شما بروید نماز خودتان را بخوانید

ایشان به معنای واقعی معتقد به وحدت بین شیعه و سنی بود. چنان با هم صمیمی بودیم که احساس نمی کردیم که از دو مذهب هستیم. گاه در پاوه به منزل ما می آمدند. موقع نماز می فرمودند: آقای قادری شما نماز خودتان را بخوانید ما هم آرام آرام نماز خودمان را می خوانیم تا هیچ تکلفی در کار نباشد. در خیلی از عملیات ها با هم به جبهه می رفتیم. در عملیات محمد رسول الله(ص)^{۲۹} با هلی کوپتر به پاوه آمدند و با هم به سمت جبهه رفتیم. یادم است یک بار به منطقه ای رفتیم که بچه های اصفهان و خمین در آنجا جان فشانی کرده بودند و چون دوستانشان شهید شده بودند، احساس نگرانی می کردند. آنجا همه را جمع کردیم و برای شهدا فاتحه ای خواندیم و نماز ظهر را بر پا کردیم که حضور ما باعث تشویق رزمندگان شد.^{۳۰}

۱۵. سیمای ایشان را که دیدم به گریه افتادم

من امام جمعه سرپل ذهاب بودم. جنگ که شروع شد، شهر ار ترک کردیم و دوم یا سوم مهر ۱۳۵۹ وارد کرمانشاه شدیم. آنجا

۲۸. علی اکبر رحمانی

۲۹. این عملیات در تاریخ ۱۳۶۰/۱۰/۱۲ در غرب کشور با پیروزی ایران بر نیروهای بعثی و گرفتن تلفات سنگین به پیروزی رسید.

۳۰. ماموستا حاج ملاعبدالقادر قادری

منزل محقر کوچکی گرفتیم و مستقر شدیم. ایشان بعد از اینکه مطلع شدند بلافاصله به دیدنم آمدند. وقتی وارد منزل شدند و من سیمای ایشان را دیدم به گریه افتادم. چهره پاک و بی آرایش ایشان اثرات مفیدی بر وجود ما گذاشت. ایشان آمد و بالای فرش نشست و از ما دلجویی کرد. اوضاع و احوال مهاجرین را پرسید و فرمود: شما ایمان و توکل خوبی به خدا دارید، چون به خاطر خدا و نظام جمهوری اسلامی این مسیر را انتخاب کرده اید. بعد مفصل صحبت کردیم و ایشان تشریف بردند.^{۳۱}

۱۶. حقیقتا از ما حمایت کردند

در مرداد ماه ۱۳۵۸ گروهک های مخالف نظام جمهوری اسلامی، پاوه را محاصره کرده بودند و می خواستند مردم پاوه و نیروه های وابسته به نظام را سرکوب کنند. مردم نیز چنان مقاومتی کردند که در تاریخ مشهور است. آنها به شهر حمله کردند و پاوه، هفت روز در آتش جنگ و درگیری می سوخت. در آن ایام سخت، علمای کرمانشاه از جمله شهید اشرفی اصفهانی حقیقتا از ما حمایت کردند. دوستان و علمای کرمانشاه به همراه استاندار وقت کرمانشاه به پاوه آمدند. این حضور از نظر ما فراموش نشدنی است و حتی در تاریخ پاوه که خود نوشته ایم، به آن قضایا اشاره کرده ایم.^{۳۲}

۳۱. ماموستا حاج ملا محمد محمدی

۳۲. ماموستا حاج ملاعبدالقادر قادری

۱۷. همه را دور و بر خودش جمع می کرد.

ایشان بر اشتراکات دینی تاکید و بر همان مبنا حرکت می کردند، در همین راستا سمینار های مختلفی برپا می کردند از جمله سمینار ائمه جمعه اهل سنت و اهل شیعہ بود که در سال ۱۳۶۱ و در اسلام آباد غرب برگزار شد. رهبر معظم انقلاب که در آن زمان رئیس جمهور بودند نیز، در آن سمینار حضور داشتند. آنجا ائمه جمعه اهل سنت، دیدگاه خود را ارائه دادند. ائمه شیعہ نیز همچنین. هیچ گونه بوی اختلافی از آن جلسه به مشام نمی رسید. نوبت من شد. من آن موقع به عنوان امام جمعه اهل سنت سرپل ذهاب حضور داشتم. در رابطه با ولایت فقیه صحبت کردم. صحبت های من گیرا بود و در دل مقام معظم رهبری نشست. یکسال بعد ایشان به کرمانشاه آمده بودند تا به جبهه تشریف ببرند. من را دیدند و صدایم کردند. به من گفتند: شما بودید که در سمینار اسلام آباد غرب در رابطه با ولایت فقیه صحبت کردید. گفتم: بله. پیشانی مرا بوسیدند و فرمودند: خداوند شما را برای اسلام نگه دارد.

این نتیجه حسن رفتار و خلق و خوی شهید محراب بود که همه را دور و بر خودش جمع می کرد.^{۳۳}

۱۸. در منطقه ای حساس، ثبات را برقرار کرد

۳۳. ماموستا حاج ملا محمد محمدی

ایشان در همه کارها حاضر بودند . از عیادت مجروحین جنگ و انقلاب گرفته تا وحدت بین شیعه و سنی. با توجه به مقبولیت خاصی که در منطقه داشتند، در ثبات این محدوده عشایر نشین و مرز نشین نقش موثری ایفا می کردند. منطقه ای که متشکل از اقوام، عقاید و گرایش های مختلفی است تنها با حضور روحانی بزرگواری چون ایشان به هماهنگی و وحدت می رسید.^{۳۴}

۱۹. حضور اهل سنت در کلاس درس ایشان

حاج آقا در این جا با اهل سنت به خوبی در ارتباط بودند. تعداد دو، سه نفری هم از اهل سنت بودند که در کلاس های ایشان شرکت می کردند.^{۳۵}

۳۴. حجت الاسلام والمسلمین سید موسی موسوی نماینده امام در کردستان و از ائمه جمعه کردستان
۳۵. حجت الاسلام والمسلمین عبدالخالق تربتی / ۱۹۸ / <http://alem-kermanshah.blogfa.com/post/۱۹۸/>



المجمع الدولي للأمة الواحدة
INTERNATIONAL UNION OF UNIFIED HUMANISM
اتحاديه بين العملى امت واحده

اخوت